

**پیام مسجد**  
**با محوریت نهج البلاغه**

شرح حکمت ۲۴۱ الی ۲۷۰

هر روز یک حکمت

## روز انتقام ظالمان

قال امیرالمؤمنین(ع): «يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ (حکمت ۲۴۱) ؛  
روز انتقام مظلوم از ظالم، شدیدتر از روز ستم کردن ظالم بر مظلوم است.»

### مقدمه:

ظلم از صفاتی است که در قرآن و روایات منفور است، و تکوین عالم نیز بسیار با ظلم و اشخاص ظالم دشمن است، نظام هستی یک پارچه یار مظلومین است.

### نکته‌ها:

- \* انتقام از ظالمان، امری حتمی و از سنه‌الله است.
- \* ظالم، هم سختی انتقام می‌کشد، هم سختی عذاب وجدان (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* ظالمان در دنیا و آخرت مجازات می‌شوند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* قرآن، در آیه ۱۰۲ سوره هود می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ؛ و این چنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادی‌های ظالم را مجازات می‌کند.»
- \* ظلم برکت را می‌برد (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* یک معنای «يَوْمُ الْمَظْلُومِ» روز رستاخیز است و از آن روز رستاخیز را روز ستم‌دیده دانسته که روز انتقام و گرفتن حق اوست، و مراد از «يَوْمِ الظَّالِمِ» هنگامه ستم را مخصوص به روز ستمگر شمرده است، چون ستم در دنیا انجام پذیر است (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی).
- \* روز ظلم، در دنیا، عالم ماده و زود گذر است و تحملش آسانتر است، اما روز انتقام عالم مجرد و باقی و بسیار سخت است.

## تمام پرده‌ها را پاره مکن!

قال امیرالمؤمنین(ع): «اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَىٰ وَإِنْ قَلَّ، وَاجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَإِنْ رَقَّ» (حکمت ۲۴۲) ؛

تقوا و پرهیزکاری پیشه کن، هرچند کم باشد و میان خود و خدا پرده‌ای قرار ده، هرچند نازک باشد  
«.

### مقدمه:

توده‌های مردم، گاه لغزشی برای آن‌ها پیدا می‌شود و به گناه نزدیک شده و یا آلوده می‌گردند، گاه در میان آن‌ها کسانی یافت می‌شوند که همه پرده‌ها را پاره کرده و به اصطلاح، پل‌های پشت سر خویش را ویران می‌سازند و رابطه خود را به کلی با خدا قطع می‌کنند.

### نکته‌ها:

- \* ضعیف‌الایمانی و بی‌تقوایی از پرده‌داری کامل سر در می‌آورد.
- \* مراد از « اَتَّقِ اللّٰهَ بَعْضَ التَّقٰی » اولیاءالله و پاکان و پرهیزکاران سطح بالا نیستند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* تقوا مانند بسیاری از فضایل اخلاقی، دارای درجات متفاوتی است، والاترین مرتبه، حدّ عصمت، و مرتبه میانه آن، درجات بعد از معصومین‌اند، مانند سلمان‌ها، و مرتبه ضعیف آن، صاحبش را بر لب پرتگاه قرار می‌دهد (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* واژه «سِتر» «پرده» در واقع کنایه از حاجب و مانعی است که انسان را از طغیان باز می‌دارد (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* تقوا، محرم شدن و هم نشینی با خداست.
- \* تقوای کم باعث هم سنخ شدن با اهل تقوای واقعی است، لذا این هم‌سنخی باعث سعادت است.
- \* هر کار خوبی کمش بهتر از هیچی است.

### از درهم شدن جواب‌ها پرهیزید

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِذَا ازْدَحَمَ الْجَوَابُ خَفِيَ الصَّوَابُ» (حکمت ۲۴۳) ؛  
هنگامی که جواب‌ها زیاد (و درهم) شوند حق مخفی می‌گردد.»

### مقدمه:

بسیار دیده شد که سؤالی در مجلسی مطرح می‌شود و هر کس هر چیزی که به ذهنش آمد به عنوان جواب ذکر می‌کند و حتی احتمالات ضعیف و پاسخ‌های بی پایه نیز عنوان می‌شود، در چنین مجلس و چنان شرایطی روشن است که حق برای بسیاری مخفی می‌ماند، زیرا جدا کردن پاسخ حقیقی از آن همه احتمالات گوناگون کار آسانی نیست.

### نکته‌ها:

\* در تفسیر یک آیه یا یک حدیث یا پاسخ یک شبهه، احتمالات زیاد و جواب‌های متعدد، برای برخی باعث گمراهی می‌شود (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).

\* سؤال کنندگانی که دارای تفکر قوی نیستند، نباید یک مسئله را از افراد زیادی پرسش کنند، زیرا جواب‌های متعدد، آن‌ها را در تشخیص حق، گرفتار شک و تردید می‌کند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* ازدحام در جواب، شاخه‌ای از شاخه‌های افراط‌گری است که در همه چیز مذموم است (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* از آداب پاسخ‌دهنده، این است که با تمأینه و مؤجز و قابل فهم جواب دهد (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* شخص در مقام جواب باید از تندى و بد اخلاقى دورى کند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* هر سؤالی قابلیت پاسخ کوبی ندارد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۸۵ نهج البلاغه فرمودند: «مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ؛ کسی که جمله "نمی‌دانم" را ترک کند (گاه) خود را به کشتن داده است».

### راه بقای نعمت‌ها

قال امیرالمؤمنین (ع): «إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا، فَمَنْ أَدَّاهُ زَادَهُ مِنْهَا، وَمَنْ قَصَرَ عَنْهُ خَاطَرَ بِزَوَالِ نِعْمَتِهِ (حکمت ۲۴۴)؛

خداوند در هر نعمتی حقی دارد، کسی که حق آن را ادا کند، آن نعمت را بر او افزون می‌کند و کسی که در آن کوتاهی نماید آن نعمت را در خطر زوال قرار می‌دهد».

### مقدمه:

شناخت نعمات و صاحب آن‌ها و حق نعمات و ادای حقوقشان، بسیار مورد تأکید خدا و اهل بیت (ع) بوده و در تکامل انسانی نقش بسزایی دارد، البته این یک امر فطری است، یعنی انسان فطرتاً میل به شناخت نعمت و صاحب و حقوقشان دارد.

### نکته‌ها:

- \* مالک حقیقی هر شیئی، حقوق زیادی در آن شیئی دارد که در استفاده از آن اولویت دارد.
- \* به عنوان مثال حق اموال، پرداخت خمس و زکات و نفقه و کمک به نیازمندان است (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* مراد از «إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا» همان شکر است (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).
- \* اساس شکر، شکر عملی است (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* شکر عملی یعنی: «انسان، تمام آنچه را خدا به او روزی داده برای آن اهدافی که آفریده شده است صرف کند، یعنی در راستای اقتضای شیئی و رضای الهی» (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).
- \* از مصادیق اسفاده شرعی از نعمات مانند: به نفع مظلومان استفاده کردن، صلّه رحم به جا آوردن، آلام بیماران را تخفیف دادن، تعظیم شعائر نمودن، به فکر یتیمان بودن و... (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* نعمت‌ها، مانند چشم و گوش و عقل و هوش، یعنی جسم و روح انسان و اموال و پست و مقام و مقامات معنوی و آبرو و... (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* امام صادق (ع) فرمودند: «تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ تمام شکر آن است که انسان (از روی اخلاص و ایمان) بگوید: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"». (کافی ج ۲).

### با افزایش قدرت، حرص کم می‌شود

قال امیرالمؤمنین (ع): «إِذَا كَثُرَتِ الْمَقْدِرَةُ قَلَّتِ الشَّهْوَةُ (حکمت ۲۴۵)؛ هنگامی که قدرت بر چیزی فزونی یابد علاقه به آن کم می‌شود».

### مقدمه:

چیزی که در دسترس انسان باشد، نه برای ذخیره کردن آن دست و پا می‌زند، نه به علت از دست دادنش اضطراب دارد و ای بسا با بی‌اعتنایی به آن نگاه کند، به عکس، چیزی که در دسترس او نیست یا به زحمت پیدا می‌شود به آن علاقه نشان می‌دهد.

### نکته‌ها:

\* نفس انسان در فراوانی، ناشکر می‌شود، یعنی از نعمات درست استفاده نمی‌کند (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* اصل در انسان غیر کامل این است که: «حَرِيصٌ عَلَىٰ مَا مُنِعَ؛ انسان نسبت به چیزی که برای او ممنوع شده حرص فراوان دارد» (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* لذا از این اصل، در مستحبات، جهت دوام در انجام آن استفاده شده و فرمودند: «آب کمتر جو تشنگی آور بدست \*\*\* تا که آبت جوشد از بالا و پست».

\* گاهی «حَرِيصٌ عَلَىٰ مَا مُنِعَ» از حب بقاء است، یعنی در کمبود چیزی، مثلا خوردنی‌ها ترس از نابودی و مرگ دارد، لذا می‌خواهد از نابودی فرار کند.

\* گاهی برخی از تُجَّار از این اصل فطری انسان در احتکار اجناس، سوءاستفاده می‌کنند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* بسیاری از نیازهای انسان توهم و از بازی‌های قوه خیال است.

### نعمت‌ها را از خود رم ندهید!

قال امیرالمؤمنین(ع): «احْذَرُوا نِفَارَ النَّعْمِ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ (حکمت ۲۴۶)؛ از فرار کردن (و رمیدن) نعمت‌ها بر حذر باشید که هر فراری باز نمی‌گردد».

### مقدمه:

تشبیه نعمات، به حیوانات اهلی سودمند، که گاه فرار می‌کنند، توصیه‌ایی است: که قدر نعمت‌ها را بدانید، شکر آن را به جا آورید، از فرصت‌ها استفاده کنید و از نعمت‌های الهی بهره‌گیرید.

### نکته‌ها:

\* «نِفَار» به معنی فرار کردن و «نَعْم» جمع نعمت است، بعضی آن را «نَعَم» به فتح نون و به معنی حیوان چهارپا مانند گاو و گوسفند و شتر دانسته‌اند و «شارد» به معنای حیوان فراری است (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* تمام نعمت‌ها، همواره در معرض زوالند و باید آنها را حفظ کرد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* به یقین «جوانی» و گاهی سلامتی، از آن نعمت‌هایی است که وقتی فرار کرد هرگز باز نمی‌گردد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* چیزی که باعث رمیدن نعمت‌هاست در درجه اول، ناسپاسی است (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).

\* یکی دیگر از چیزهایی که باعث زوال نعمات است، گناهان می‌باشد (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

### **سخاوت، بهترین وسیله ارتباط**

قال امیرالمؤمنین(ع): «الْكَرَمُ أَعْطَفُ مِنَ الرَّحِمِ (حکمت ۲۴۷) ؛

رابطه سخاوت، از خویشاوندی بیشتر است.»

#### **مقدمه:**

یکی از واجبات در اسلام صله رحم است، یعنی انسان با نزدیکان خویش ارتباط نزدیک و قرآنی داشته باشد، لذا دستوراتی را امر فرمودند که از مصادیق صله رحم می‌باشد که حداقل آن رفت و آمد ظاهری با یکدیگر است.

#### **نکته‌ها:**

\* «أَعْطَفُ» به معنای مایل‌تر و بامحبت‌تر است، در بعضی از منابع لغت، «کرم» را بخشش توأم با سهولت و بدون سخت‌گیری گفته‌اند، از این رو «کریم» کسی است که به راحتی به افراد نیازمند بخشش می‌کند (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* کرامت، فطری و در طبیعت انسان‌ها است، اما رحم بودن، عرضی و گاهی تکلفی است (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* صله رحم، باید ثمر و نتیجه داشته باشد، یعنی باعث رفع مشکلات یکدیگر شود (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

### **حُسن ظن مردم را با عمل، تصدیق کن**

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدَّقْ ظَنَّهُ (حکمت ۲۴۸) ؛  
کسی که به تو گمان خوبی دارد، گمانش را (با عمل) تصدیق کن.»

### مقدمه:

بسیار می شود افراد به سبب خاطره خوبی که از کسی دارند و او را با سخاوت و خیر و مثبت می دانند گمان می برند حل مشکل آن ها - خواه مشکل مالی باشد یا جز آن - به دست اوست و به سراغ وی می روند، و از وی درخواست کمک می کنند.

### نکته ها:

- \* اگر کسی درخواست کمک کرد باید در حد توان، مشکلتش را برای رضای خدا حل کرد (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).
- \* قدم اول در روابط اجتماعی، ایجاد حسن ظن است و قدم مهمتر حفظ این حسن ظن است (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).
- \* با تصدیق حسن ظن دیگران، می توان آنها را در انجام کار خیر تهیج کرد (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).
- \* امیرمؤمنان(ع) در غررالحکم می فرماید: «مَنْ سَاءَتْ ظُنُونُهُ اِعْتَقَدَ الْخِيَانَةَ بِمَنْ لَا يَخُونُهُ ؛ کسی که به مردم، بدگمان است معتقد به خیانت کردن به کسی می شود که به او خیانت نکرده است.»

### اجبار نفس بر انجام کار خیر

قال امیرالمؤمنین(ع): «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ (حکمت ۲۴۹) ؛  
برترین اعمال آن است که خود را (به زحمت) بر آن وادار کنی.»

### مقدمه:

گاهی کاری برخلاف خواسته نفس است، مثل این که می خواهد مالی ببخشد و نفس او به سبب علاقه به مال با آن موافق نیست، یا از ارتباط نامشروعی بپرهیزد که نفس تمایل به آن دارد و... در تمام این موارد که نفس انسان تمایل به فعل معروف یا ترک منکر ندارد هنگامی که افراد با ایمان در برابر خواسته نفس مقاومت کنند و آن معروف را به جا آورند و آن منکر را ترک کنند، عملی بسیار پرفضیلت انجام داده اند.

### نکته ها:



\* علت عبارت «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ» این است که هم کار خیر انجام شده و هم نفس سرکش تحت ریاضت قرار گرفته است (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).

\* هرچه زحمت در عملی بیشتر باشد اجر و مقامش بیشتر است (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).

\* کسانی که زمینه هدایت، مانند خانواده ناصالح نداشتند و به تکامل برسند، اجرشان از کسانی که زمینه هدایت را دارند بیشتر و مقامشان بالاتر است.

\* انسان نباید در تزکیه نفس، با بودن موانع قهری و مشکلات ناامید شود.

## اراده‌ای برتر از اراده ما!

قال امیرالمؤمنین(ع): «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ، وَحَلِّ الْعُقُودِ، وَنَقْضِ الْأَهْمَمِ (حکمت ۲۵۰)

خداوند را به وسیله برهم خوردن تصمیم‌ها، فسخ پیمان‌ها و نقض اراده‌ها شناختم.»

### مقدمه:

بسیار می‌شود انسان تصمیم محکمی به انجام کاری می‌گیرد، اما ناگهان اراده او تغییر پیدا می‌کند بی آن‌که عاملی برای آن تغییر بشناسد! این نشان می‌دهد که اراده‌ای از بیرون به آن تعلق گرفته بود که اراده این شخص فسخ شود.

### نکته‌ها:

\* عبارت «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ...» راه شناخت قضا و قدر الهی است (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).

\* تقدیر خداوند بر تدبیر ما غالب و مسلط است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ، وَحَلِّ الْعُقُودِ» منافاتی با اختیار انسان ندارد.

\* مراد از عبارت «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ، وَحَلِّ الْعُقُودِ» این است که انسان باید بداند که اراده او در طول اراده خداست، و انسان نباید از خداوند غافل شود.

\* مراد از عبارات «الْعَزَائِمِ» «الْعُقُودِ» «الْأَهْمَمِ» این است که اراده‌ها چه قوی باشد چه ضعیف، در مقابل تقدیر الهی به یک اندازه از ضعف برخوردارند (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* پیغمبر اکرم(ص) فرمود: «هیچ انسانی نیست مگر این که قلب او در میان دو انگشت از انگشت‌های قدرت پروردگار قرار دارد» (شرح نهج البلاغه علامه شوشتری ج ۱).

\* قرآن در آیه ۲۴ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»؛ بدانید که خداوند میان انسان و قلب او حائل می‌شود و بدانید که به‌سوی او باز می‌گردید و محشور می‌شوید».

## تلخی و شیرینی دنیا و آخرت

قال امیرالمؤمنین(ع): «مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ، وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ (حکمت ۲۵۱)»؛ تلخی دنیا شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا تلخی آخرت».

### مقدمه:

دنیا و آخرت، اشتراکات و افتراق‌هایی دارند که برخی ذاتی هستند، مانند اینکه اشیاء در دنیا دارای جرم و وزن و ماده هستند اما اعیان در آخرت مجرد از این مواردند، که قابل نقض نیست، اما برخی از افتراقات نسبی بوده و به نسبت افراد متفاوت است.

### نکته‌ها:

- \* مراد از «مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ» اعمال صالح است که غالباً در دنیا برای نفس سخت است (شرح نهج البلاغه آیة‌الله مکارم شیرازی).
- \* مراد از «حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ» گناهان است، که نفس انسان از آن لذت می‌برد (شرح نهج البلاغه آیة‌الله مکارم شیرازی).
- \* علت لذت نفس از گناهان، غفلت از عظمت الهی و سختی عذاب اخروی گناهان است (شرح نهج البلاغه آیة‌الله مکارم شیرازی).
- \* عبارت «مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ، وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْآخِرَةِ» در مورد اولیای الهی که به نفس مطمئنه و راضیه و مرضیه رسیده باشند صدق نمی‌کند (شرح نهج البلاغه آیة‌الله مکارم شیرازی).
- \* انسان کامل، همه جا خدا می‌بیند لذا همه اعمال خیر، برای او شیرین و راه وصال است.
- \* لذت دنیا انسان را از آخرت غافل می‌کند (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

## فلسفه بخش مهمی از احکام اسلامی

قال اميرالمؤمنين(ع): «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَسْبِيهاً لِلرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِاخْلَاصِ الْخَلْقِ، وَالْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ، وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَوَامِّ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلسُّفَهَاءِ، وَصَلَةَ الرَّحِمِ مَنَمَاءً لِلْعَدَدِ، وَالْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ، وَإِقَامَةَ الْحُدُودِ إِعْظَاماً لِلْمَحَارِمِ، وَتَرَكَ شَرْبِ الْخَمْرِ تَحْصِيناً لِلْعَقْلِ، وَمُجَانَبَةَ السَّرِيقَةِ إِجْبَاباً لِلْعَفَّةِ، وَتَرَكَ الزَّوْنِي تَحْصِيناً لِلنَّسَبِ، وَتَرَكَ اللَّوَاطِ تَكْثِيراً لِلنَّسْلِ، وَالشَّهَادَاتِ اسْتِظْهَاراً عَلَى الْمُجَاحِدَاتِ، وَتَرَكَ الْكُذْبِ تَشْرِيفاً لِلصِّدْقِ، وَالسَّلَامَ أَمَاناً مِنَ الْمُخَافِ، وَالْأَمَامَةَ نِظَاماً لِلْأَمَّةِ، وَالطَّاعَةَ تَعْظِيماً لِلْأَمَامَةِ (حکمت ۲۵۲)؛

خدا ایمان را برای تطهیر دل از شرک واجب کرده است، و نماز را برای پاک شدن از کبر و غرور واجب کرده است، و زکات را سبب روزی قرار داد، و روزه را برای این تشریح کرد که آزمایشی برای اخلاص بندگان باشد، و حج را برای تقویت دین قرار داد، و جهاد را برای عزت و سربلندی اسلام (و مسلمانان) قرار داد، و امر به معروف را برای اصلاح توده مردم و نهی از منکر را برای باز داشتن بی‌خردان قرار داد، و صله رحم را برای افزایش نفوس مقرر داشت، و قصاص را برای حفظ خون‌ها (و جان‌ها) قرار داد، و اقامه حدود را برای بزرگ شمردن محرمات الهی قرار داد، و ترک شرب خمر را برای حفظ و سلامت عقل تشریح کرد، و دوری از سرقت را برای حفظ عفت (و پرهیز از آلودگی به اموال مردم) مقرر داشت، و ترک زنا را برای حفظ نسب‌ها قرار داد، و ترک لواط (و همجنس‌گرایی) را برای افزایش نسل مقرر داشت، و شهادت و گواهی را برای اظهار حق در برابر انکارها قرار داد، و ترک دروغ را برای احترام و بزرگداشت صدق و راستی قرار داد، و سلام را امان در برابر ترس‌ها قرار داد، و امامت را برای نظم و نظام امت قرار داد، و اطاعت و فرمانبرداری (از امام مسلمین) را برای (تعظیم و تحکیم) مقام امامت قرار داد.»

### مقدمه:

شناخت فلسفه و علت واجبات و محرمات اسلام در قبول و انجام درست اسلام بسیار مؤثر است، و هدف اصلی ائمه(ع) نیز رساندن مسلمین به این سطح از شناخت بوده است، شناختی که با شهود و مکاشفات و رسیدن در باطن عالم باشد.

### نکته‌ها:

\* مراد از ایمان در عبارت «الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرْكِ» توحید در اعتقادات و اعمال صالح است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* معنای حقیقی نماز که قرآن به برپایی آن امر می‌کند، تسلیم در برابر الله است.

\* زکات، رزق زکات دهنده و زکات گیرنده را تأمین می‌کند (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* معنای حقیقی روزه، ترک غیرالله است.

\* نظم و اتحاد ظاهری مسلمین در ایام حج تمرینی برای اتحاد دائمی آنهاست، که این امر باعث تقویت اسلام است (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* جهاد، مظهر صفت شجاعت مسلمین است، و شجاعت به اسلام در مقابل دشمنان عزت می‌دهد.

\* امر به معروف، سخاوت تکامل و سعادت خداوند به بشریت و نهی از منکر حفظ این سعادت است.

\* برتری اسلام بر سایر قوانین و فرقه‌ها، در قانون امر به معروف و نهی از منکر است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* قرآن در سوره بقره آیه ۱۷۹ می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ؛ ای خردمندان! در قصاص، حیات و زندگی شما است.»

\* «محارم» در «إِقَامَةُ الْحُدُودِ إِعْظَاماً لِلْمَحَارِمِ» اشاره به گناهان کبیره یا بخش مهمی از آنهاست که در موردشان اقامه حدود و اجرای تعزیرات می‌شود (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* عفت، به معنای تعدیل قوه شهویه، یعنی خواسته‌های انسان است (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* زنا، همان لذت حرام از نامحرم با هر یک از اعضای ظاهری و باطنی است.

\* بذری پاشی در زمینی که حاصل خیز نیست و ثمره ندهد، بی عقلی و حرام است (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* مواردی مانند استمناء و آمیزش با حیوانات نیز همین گونه است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* ترک شهادت صحیح، در جایی که باید شهادت داد، گناه کبیره است.

\* هرگاه کسی به دیگری سلام کند مفهومی این است که هیچ‌گونه قصد آزار و اذیت او را ندارد و کسی که پاسخ می‌گوید مفهوم آن نیز این است که از ناحیه او نیز ضرری نیست (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* سلام کننده و جواب دهنده، هر دو تحت اسم سلام خدا هستند.

\* سلام، یعنی هر موجودی بر اساس فطرت خود که مطابق با فطرت خداست، باشد.

\* امام، مظهر اسم جامع خداوند است که همه انسان‌ها حتی همه موجودات را، با تمام صلیقه‌ها و اختلافات در کنار هم جمع می‌کند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

### سوگند سریع التاثر

قال امیرالمؤمنین (ع): «أَحْلِفُوا الظَّالِمَ - إِذَا أَرَدْتُمْ يَمِينَهُ - بِأَنَّهُ بَرِيءٌ مِنْ حَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ؛ فَإِنَّهُ إِذَا حَلَفَ بِهَا كَاذِبًا عُوْجِلَ الْعُقُوبَةُ، وَإِذَا حَلَفَ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمْ يُعَاجَلْ، لِأَنَّهُ قَدْ وَحَّدَ اللَّهُ تَعَالَى (حکمت ۲۵۳)؛

هرگاه خواستید ظالمی را سوگند دهید این‌گونه سوگند دهید که از حول و قوه الهی بری است، زیرا اگر این قسم دروغ باشد مجازات او به سرعت فرا می‌رسد، اما اگر چنین سوگند یاد کند: به خدایی که جز او خدایی نیست، در کیفرش تعجیل نمی‌شود، زیرا خدا را به یگانگی ستوده است.»

### مقدمه:

یکی از ادله در محکمه، برای فیصله دادن اختلافات، سوگند خوردن یکی از طرفین دعوی است، تعبیرات سوگندها بسیار متفاوت است؛ تعبیرهایی که مدح و ثنای الهی در آن است، سبب تعجیل عقوبت نمی‌شود، اما تعبیرات خشنی که بر ضد خدا و ائمه (ع) باشد، عقوبت را تعجیل می‌کند.

### نکته‌ها:

\* سوگند یا قسم، در واقع گرو قرار دادن اعتقادات و مقدسات خویش است برای بیان اهمیت چیزی و کسب اعتماد دیگران.

\* سوگند دو نوع است: یک نوع سوگند جهت اثبات یا انکار چیزی است، و نوع دیگر اینکه، جهت انجام عملی مشروع و ترک منکر سوگند بخورد.

\* اگر کسی برای انجام عمل حسنه یا ترک منکری قسم خورد، و بدون عذری قسم را اعمال نکند باید کفاره بدهد.

\* سوگند به براءت از خداوند و پیامبر(ص) نه تنها منعقد نمی شود و کفاره ای در مخالفت آن نیست، بلکه نفس این سوگند، حرام است (کتاب الایمان، از مرحوم صاحب جواهر).

\* تعبیر بعضی از فقها این است که تنها مهدور الدم را می توان چنین « بَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِنْ حَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ... » سوگند داد (جواهر الکلام ج ۳۵).

### وصی خویشتن باش

قال امیرالمؤمنین(ع): «يَابْنَ آدَمَ، كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ، وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ (حکمت ۲۵۴) ؛

ای فرزند آدم! تو خود وصی خویشتن در اموال خود باش و (امروز) به گونه ای در آن عمل کن که می خواهی پس از تو (مطابق وصیت) عمل کنند.»

### مقدمه:

بسیاری از مردم، علاقه مند هستند که بخشی از اموالشان پس از آن ها در راه خیرات مصرف شود و اسلام نیز به وصیت برای کارهای خیر تشویق کرده، این خصلت مردم نیز ریشه در غیرت در اموال دارد.

### نکته ها:

- \* وصیت کردن امری مستحبی است، که تأکید زیادی بر آن شده است.
- \* قرآن مجید در سوره بقره آیه ۱۸۰ می فرماید: «بر شما نوشته شده، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی از خود به جای گذاشته، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند! این حقی است بر پرهیزکاران!».
- \* کسی که مسؤول رسیدگی به اموال اموات می شود را وصی می گویند (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).
- \* غالباً وصی یا ورثه، به دلایل مختلفی مانند: جهل و خبث نیت و... در انجام وصیت کوتاهی می کنند (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* آنچه را انسان با دست خود در راه خدا می‌دهد بسیار با ارزش‌تر است از آنچه دیگران پس از او می‌دهند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* وصیت، به یک‌سوم مال محدود شده تا ورثه نیز بهره‌مند شوند، یعنی هر کس اجازه دارد فقط یک سوم اموالش را وصیت کند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

## غضب و جنون!

قال امیرالمؤمنین(ع): «الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ، لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ، فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ» (حکمت ۲۵۵)؛

طغیان غضب نوعی جنون و دیوانگی است، چراکه صاحبش بعداً پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشود دلیل بر آن است که جنونش مستحکم است.

## مقدمه:

انسان در حالی که به شدت غضبناک می‌شود نیروی عقل او تحت الشعاع آن قرار گرفته، از کار بازمی‌ایستد و در آن حالت که صورت برافروخته، رگ‌های گردن پر از خون شده و تمام اعصاب و عضلات تحریک گشته است، دست به کارهایی می‌زند که خارج از عرف عقلا و بیرون از دایره شرع و کاملاً زیان‌آور است.

## نکته‌ها:

\* غضب و جنون، هر دو عدم غلبه عقل است (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* غضب و جنون، شدت و ضعف دارند.

\* جنون دو نوع است: جنون دائمی (یعنی کل ساعات روز و هفته و ماه و سال در حالت جنون است) و جنون ادواری (یعنی مدتی در حالت جنون است و مدتی از حالت جنون خارج می‌شود).

\* کسی که گناه می‌کند، از آن جهت که بی‌عقلی است، اخلاقاً مجنون است.

\* روش برخورد با شخص غضبناک و مجنون صبر و مدارا و گاهی دوری است.

## ترک حسد، و تندرستی

قال امیرالمؤمنین(ع): «صِحَّةُ الْجَسَدِ، مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ» (حکمت ۲۵۶)؛

تندرستی، از کمی حسادت است.

## مقدمه:

به گفته پزشکان، در بسیاری از موارد، بسیاری از بیماری‌های جسمانی از ناراحتی‌های روحی سرچشمه می‌گیرند، حسد در میان بیماری‌های روحی یکی از بدترین آن‌هاست، حسد گاه چنان شخص حاسد را ناراحت می‌کند که نه روز استراحت دارد و نه شب و در آتشی که خود در درون خود برافروخته می‌سوزد و آثارش در بدن او روزه روز نمایان تر می‌شود.

## نکته‌ها:

- \* شخص حسود، در واقع به حکمت خدا اعتراض دارد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* کسی جز معصوم(ع)، از رذیله حسادت در امان نیست.
- \* حسادت تا به مرحله ظهور نرسد، برای جسم و روح انسان تخریب جدی و فاحشی ندارد.
- \* خطور ذهنی حسادت نیز، به اندازه خود تأثیر منفی در روح انسان دارد.

## شاد کردن دیگران

قال امیرالمؤمنین(ع): «لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ، يَا كَمِيلُ، مَرُّ أَهْلِكَ أَنْ يَرَوْحُوا فِي كَسْبِ الْمَكَارِمِ، وَيُدْلَجُوا فِي حَاجَةٍ مَنْ هُوَ نَائِمٌ، فَوَالَّذِي وَسِعَ سَمْعُهُ الْأَصْوَاتَ، مَا مِنْ أَحَدٍ أَوْدَعَ قَلْبًا سُرُورًا إِلَّا وَخَلَقَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ السُّرُورِ لُطْفًا، فَإِذَا نَزَلَتْ بِهِ نَائِبَةٌ جَرَى إِلَيْهَا كَالْمَاءِ فِي أَنْحِدَارِهِ حَتَّى يَطْرُدَهَا عَنْهُ كَمَا تُطْرَدُ غَرِيبَةُ الْأَبْلِ (حکمت ۲۵۷) ؛

خطاب به کمیل بن زیاد نخعی فرمود، ای کمیل! خانواده را دستور ده، که روزها در کسب فضایل و مکارم بکوشند و شامگاهان در انجام حوائج مردمی که در خوابند تلاش کنند، سوگند به کسی که تمام صداها را می‌شنود، هر کس سرور و خوشحالی در قلبی ایجاد کند خدا از آن سرور برایش لطفی می‌آفریند که هرگاه مصیبتی بر او وارد شود این لطف همچون آب (در یک سطح شیب‌دار به سرعت) به سوی او سرازیر شود تا آن مصیبت را از وی (بشوید و) دور سازد، همان‌گونه که شتر بیگانه از گله رانده می‌شود.»

## مقدمه:



دنیای مادی امروز، کمک‌رسانی به نیازمندان را تحت برنامه‌های محدود، در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهد و افراد، کمتر مسئولیتی برای خود قائلند، در حالی که در اسلام چنین نیست، همه کسانی که توانایی دارند، در برابر مشکلات و نیازهای حاجتمندان مسئولیت دارند.

### **نکته‌ها:**

\* انسان باایمان باید به خودسازی و کسب فضایل مشغول باشد، و بر علم خود بیفزاید (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* بعد از خودسازی و عبودیت، أفضل‌الاعمال، خدمت به خلق‌الله است (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* مراد از «أَهْلَكَ» هم خانواده جناب مالک را شامل می‌شود، و هم کسانی که مانند جناب مالک در سیر و سلوک اهل او هستند (منهاج‌البراعه فی شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* تعبیر به «يُدْلِجُوا» از ماده «ادلاج» که به معنای سیر در ابتدای شب یا تمام شب است، اشاره به این است که انسان باید خدماتش به مردم بی سر و صدا و غالباً مخفیانه باشد (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* مراد از «مَنْ هُوَ نَائِمٌ» این است که آبروی نیازمندان محفوظ بماند و در برابر دیگران شرمنده نشوند (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* خدمت به خلق، هم در دنیا اجرش ظهور دارد، هم در آخرت برای انسان صعود می‌آورد (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* کسی که به دیگران رحم و لطف کند، باعث می‌شود لطف و رحمت خدا نازل شود (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی).

### **صدقه، معامله‌ای با خدا**

قال امیرالمؤمنین (ع): «إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ (حکمت ۲۵۸) ؛ هر زمان فقیر شدید با خداوند از طریق صدقه دادن (در راه او) تجارت کنید.»

### **مقدمه:**

همان گونه که انسان، فقیری را کمک می کند، عنایت الهی نیز به یاری او برمی خیزد، همچنین شخص ایثارگر که آنچه را خود به آن نیاز دارد به دیگری می بخشد روح پاکی پیدا می کند که سرچشمه استجاب دعاست و دعاهای او برای گشایش روزی به هدف اجابت نزدیک می شود.

### **نکته‌ها:**

\* قرآن مجید در سوره حدید آیه ۱۱ می فرماید: «کیست که به خدا وام نیکو دهد، تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است.»

\* در احادیث اسلامی، رابطه صدقه با درمان بیماری‌ها، رفع بلاها و خطرات نیز با صراحت بیان شده است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* صدقه، انفاق علم و دانش، انفاق قدرت و مقام و انفاق نصح و خیرخواهی و خلاصه هر چیزی که خداوند به انسان روزی داده، را شامل می شود و باید از آن برای نجات دیگران استفاده کرد (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* صدقه، ظهور بسیاری از اسماء الله مانند: الجود، الوهاب و... است.

### **جزای پیمان شکنان**

قال امیرالمؤمنین (ع): «أَلَوْفًا لِأَهْلِ الْعَدْرِ عِنْدَ اللَّهِ، وَالْعَدْرُ بِأَهْلِ الْعَدْرِ وَفَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ (حکمت ۲۵۹) ؛

وفاداری در برابر پیمان شکنان، پیمان شکنی در پیشگاه خداست و پیمان شکنی با آنان، وفاداری نزد خداوند است.»

### **مقدمه:**

انسان نباید در برابر پیمان شکنان و کسانی که پایبند به عهد خود نیستند دچار وسوسه شود و ضعف شوند، بلکه به عکس اگر آن‌ها عهد خود را بشکنند و در برابر آن‌ها به عهد خود وفا کنند، نشانه ضعف و ذلت در برابر آن‌هاست و آن را حمل بر ترس می کنند و سبب جسارت آن‌ها در وقایع مشابه می شود.

### **نکته‌ها:**

\* «عَدْر» در اصل به معنای ترک گفتن چیزی است، از این رو به کار کسی که پیمان و عهد خود را بشکند و آن را ترک گوید «عدر» گفته می شود. لذا گودال‌های آب را از آن رو «غدیر» می گویند که

در آن‌ها مقداری آب باران رها و ترک شده است. \* گاهی در مقابل پیمان شکنان، باید مقابله به مثل کرد (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* پیمان شکنی دشمنی با خود خداست.

\* پیمان شکنی در مقابل پیمان شکنان، گناه نیست.

\* قرآن مجید در سوره انفال آیه ۵۸ می‌فرماید: «و هرگاه از خیانت گروهی بیم داشته باشی، به‌طور عادلانه به آن‌ها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است، زیرا خداوند، خائن را دوست نمی‌دارد.»

\* اگر وفای به عهد در مقابل پیمان شکنی کسی، باعث هدایتشان شود، می‌توان این کار را انجام داد.

\* عبارت «أَلَوْفًا لِأَهْلِ الْعَدْرِ عَدْرٌ عِنْدَ اللَّهِ...» غالباً برای کفار و دشمنان اسلام صادق است (جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید).

### از این امور غافل نشوید

قال امیرالمؤمنین(ع): «كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْأَحْسَانِ إِلَيْهِ، وَمَغْرُورٍ بِالسَّيْرِ عَلَيْهِ، وَمَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ وَ مَا آتَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحَدًا بِمِثْلِ الْأَمَلَاءِ لَهُ، قَالَ الرَّضِيُّ: وَقَدْ مَضَى هَذَا الْكَلَامُ فِيمَا تَقَدَّمَ، إِلَّا أَنْ فِيهِ هَاهُنَا زِيَادَةٌ جَيِّدَةٌ مُفِيدَةٌ (حکمت ۲۶۰) ؛

چه بسیارند کسانی که به وسیله نعمت به آن‌ها، غافلگیر می‌شوند و به سبب پرده‌پوشی خدا بر آن‌ها مغرور می‌گردند و بر اثر تعریف و تمجید از آنان فریب می‌خورند و خداوند هیچ کس را به چیزی مانند مهلت دادن، آزمایش نکرده است، مرحوم سید رضی در ذیل این گفتار حکیمانه می‌گوید: این سخن سابقاً در (حکمت ۱۱۶) گذشت جز این که در این جا اضافه خوب و مفیدی دارد.»

### مقدمه:

در آیات و روایات، خصوصیات مؤمن و غیر مؤمن را به اجمال و تفصیل بیان فرمودند، لذا هر کس می‌خواهد خود را بشناسد، باید به این کلام نورانی قرآن و اهل بیت(ع) مراجعه کند و خود رامهک بزند.

### نکته‌ها:

\* عبارت « كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْأَحْسَانِ إِلَيْهِ » اشاره به افراد طغیانگر و فاسد و مفسدی است که خداوند به آن‌ها نیکی فراوان می‌کند و ناگهان همه را از آن‌ها می‌گیرد تا مجازاتشان دردناک‌تر باشد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «...وَمَعْرُورٍ بِالسَّيْرِ عَلَيْهِ...» اشاره به کسانی است که از ستر الهی، مغرور می‌شوند و به کارهای خلاف خود همچنان ادامه می‌دهند و ناگهان خداوند پرده را بر می‌افکند و آن‌ها را رسوا می‌سازد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* علت فریب خوردن از تعریف دیگران، غفلت است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* بهترین حالت، برای انسان این است که در حالی، در فقر و دارایی، سلامتی و بیماری، غم و شادی و... بندگی خدا کند.

## آینده در خشان

قال امیر المؤمنین (ع): «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرْبَ يَعْسُوبِ الدِّينِ بِذَنْبِهِ - فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَزَعُ الْخَرِيفِ (حدیث کامل: لَا يَزَالُ النَّاسُ يَنْقُصُونَ حَتَّى لَا يُقَالَ اللَّهُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرْبَ يَعْسُوبِ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ أَطْرَافِهَا وَيَجِيئُونَ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُهُمْ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَقَبَائِلَهُمْ وَأَسْمَاءَ أَمِيرِهِمْ) قَالَ الرَّضِيُّ: أَلْيَعْسُوبُ: السَّيِّدُ الْعَظِيمُ الْمَالِكُ لِأُمُورِ النَّاسِ يَوْمَئِذٍ، وَالْقَزَعُ: قِطْعُ الْغَيْمِ الَّتِي لَا مَاءَ فِيهَا (حکمت ۲۶۰-۱)؛

در این هنگام پیشوای دین در جایگاه خود مستقر می‌شود و خداوند گروهی را از اطراف بلاد برمی‌انگیزد و مانند پاره‌های ابر پاییز به سرعت به سراغ او می‌آیند، (مردم پیوسته رو به نقصان می‌روند تا زمانی که حتی نام «الله» به فراموشی سپرده می‌شود، در این هنگام پیشوای دین در جایگاه خود مستقر می‌شود و خداوند گروهی را از اطراف بلاد برمی‌انگیزد و مانند پاره‌های ابر پاییز به سرعت به سراغ او می‌آیند، به خدا سوگند من آنها را می‌شناسم و حتی نام آنها و قبیله‌های آنها و نام امیرشان را نیز می‌دانم) سید رضی، در تفسیر این حدیث شریف می‌گوید: یعسوب به معنای آقا و پیشوای بزرگی است که در آن روز سرپرستی امور مردم را به دست می‌گیرد و (قزع) به معنای قطعه‌های ابری است که آب در آنها وجود ندارد.

## مقدمه:

اعتقاد به غیبت امام زمان (عج)، از اعتقادات مهم و اساسی شیعیان است، این امر در روایات اهل بیت (ع) و آیات قرآن به تفسیر بسیار آمده است، لذا شناخت کامل این اصل برای هر مسلمانی واجب است.

## نکته‌ها:

- \* مراد از «يَعْسُوبُ الدِّينِ» امام زمان (عج) است.
- \* مراد از «ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِدَنْبِهِ» ظهور حضرت مهدی (عج) و شروع برپایی حکومت جهانی می‌باشد.
- \* مراد از «قَزَعُ الْخَرِيفِ» همان یاران امام (عج) می‌باشند.
- \* در تفسیر دقیق‌تر فرمودند: امام زمان (عج) با برهان و عقل و با جذب قلوب، مردم جهان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند.

## امام علیه السلام این خطیب را ستود

قال امیرالمؤمنین (ع): «هَذَا الْخَطِيبُ الشَّحْشَحُ، قال الشريف: يريد الماهر بالخطبة الماضي فيها، و كل ماض في كلام أو سير فهو شحشح، و الشحشح في غير هذا الموضع: البخيل الممسك (حکمت ۲۶۰- ۲)؛

این خطیب ماهر و زبردستی است، مرحوم سید رضی می‌گوید: منظور امام (ع) این است که او در سخنرانی، سخت ماهر و چیره است و هرکس در سخن، یا در سیر و حرکت چابک و زبردست باشد به او شحشح اطلاق می‌شود، شَحْشَح در غیر این مقام، به معنای شخص بخیل و ممسک است.»

## مقدمه:

ابن ابی الحدید می‌گوید: این کلام را امام علی (ع) برای صعصعه بن صوحان عبدی که خدایش رحمت کند، فرموده است و همین افتخار برای صعصعه بسنده است که کسی چون امام علی (ع) او را به فصاحت و سخنوری وصف فرماید، صعصعه از سخنورترین مردمان بوده است.

## نکته‌ها:

- \* واژه «شَحْشَح» به معانی مختلف آمده، اگر در مورد سخنوری باشد، فصاحت و بلاغت و توانگری و مهارت در سخنوری است، اما قدر مشترک میان بسیاری از معانی این کلمه، همان توانایی است (شرح نهج البلاغه آیة‌الله مکارم شیرازی).
- \* یکی از راه‌های ابلاغ دین و حقایق به افراد ناآگاه، سخنرانی عمومی و یا خصوصی است.
- \* فن بیان در تبلیغ، اساس این حرفه است.
- \* مبلّغ، بالای منبر و تبلیغ عمومی، باید کلام را ساده و همه فهم بیان کند.

\* مطالعه و سلطه علمی، در بیان صحیح کلام اصل است.

### **آثار سوء، خصومتها**

قال امیرالمؤمنین(ع): «إِنَّ لِلْخُصُومَةَ قُحْمًا، يُرِيدُ بِالْقُحْمِ الْمَهَالِكَ، لِأَنَّهَا تُفْحِمُ أَصْحَابَهَا فِي الْمَهَالِكِ وَالْمَتَالِفِ فِي الْأَكْثَرِ، وَمِنْ ذَلِكَ قُحْمَةُ الْأَعْرَابِ، وَهُوَ أَنْ تُصَيِّبَهُمُ السَّنَةُ فَتَتَعَرَّقَ أَمْوَالُهُمْ فَذَلِكَ تَفْحَمُهَا فِيهِمْ، وَقِيلَ فِيهِ وَجْهٌ آخَرَ: وَهُوَ أَنَّهَا تُفْحِمُهُمْ بِلَادِ الرَّيْفِ، أَيْ تُحَوِّجُهُمْ إِلَى دُخُولِ الْحَضَرِ عِنْدَ مُحُولِ الْأَبْدُو (حکمت ۲۶۰-۳)؛

خصومت و دشمنی مهلکه هایی دربر دارد، سید رضی می گوید: منظور امام(ع) از قُحْم، مهلکه هاست، زیرا خصومت و دشمنی، در اغلب موارد افرادی را که در آن درگیرند به هلاکت و تلف سوق می دهد و از این باب است که در بعضی از تعبیرات آمده که می گویند: (قُحْمَةُ الْأَعْرَابِ) و منظور از آن این است که سال قحطی دامان آنها را می گیرد و اموال آنها را از بین می برد و این تَفْحَم و نفوذ آثار خشکسالی در میان آنهاست و در این مورد (قُحْمَةُ الْأَعْرَابِ) تفسیر دیگری نیز ذکر شده و آن این است که: خشکسالی، روستاییان را از سرزمین خود بیرون فرستاده و هنگامی که بیابان خشک شود آنها را نیازمند می کند که به مناطق سبز و آباد بروند.»

### **مقدمه:**

در اینکه امام(ع) چه زمانی این سخن را بیان فرموده اختلاف نظر است، بعضی مانند «نووی» در کتاب خود، به نام مجموع می گوید: این سخن را امام علی (ع) در زمان خلیفه اول بیان فرمود، هنگامی که برادرش عقیل را مأمور کرده بود از وی در مخاصمه ای دفاع کند و همچنین عبدالله بن جعفر را در زمان عثمان نیز وکالت داد که در حضورش از وی دفاع کند.

### **نکته ها:**

- \* اگر ناراحتی از کسی در قلبمان باشد حقد یا کدورت گویند، اگر قصد انتقام داشته باشیم کینه است، و اگر در ظاهر دشمنی کنیم، خصومت می باشد (معراج السعادة ملا احمد نراقی).
- \* گاه خصومتی جزئی تبدیل به جنگی تمام عیار می شود (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).
- \* خصومت، زیاده روی در قوه غضبیه (نیروی در انسان برای دفع آنچه برای انسان ضرر دارد) است (معراج السعادة ملا احمد نراقی).
- \* اعتدال قوه غضبیه صفت شجاعت است، یعنی حکومت عقل بر قوه غضبیه (معراج السعادة ملا احمد نراقی).

\* صفت مقابل خصم، گذشت و دوستی است (معراج السعادة ملا احمد نراقی).

## ازدواج دختران با اذن اولیاء

قال امیر المؤمنین (ع): «إِذَا بَلَغَ النِّسَاءُ نَصَّ الْحَقَّاقِ فَالْعَصَبَةُ أَوْلَى، قَالَ الشَّرِيفُ: وَ يُرَوَى (نَصَّ الْحَقَّاقِ)، وَالنَّصُّ: مُنْتَهَى الْأَشْيَاءِ وَمَبْلَغُ أَفْصَاهَا كَالنَّصِّ فِي السَّيْرِ، لِأَنَّهُ أَفْصَى مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ الدَّابَّةُ وَتَقُولُ: نَصَّتُ الرَّجُلَ عَنِ الْأَمْرِ، إِذَا اسْتَقْصَيْتَ مَسْأَلَتَهُ عَنْهُ لِتَسْتَخْرِجَ مَا عِنْدَهُ فِيهِ، فَنَصَّ الْحَقَّاقِ يُرِيدُ بِهِ الْأَدَارَكَ، لِأَنَّهُ مُنْتَهَى الصِّغَرِ، وَالْوَقْتُ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْهُ الصَّغِيرُ إِلَى حَدِّ الْكَبِيرِ، وَهُوَ مِنْ أَفْصَحِ الْكِنَايَاتِ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ وَأَغْرَبِهَا، يَقُولُ: فَإِذَا بَلَغَ النِّسَاءُ ذَلِكَ فَالْعَصَبَةُ أَوْلَى بِالْمَرْأَةِ مِنْ أُمَّهَا، إِذَا كَانُوا مَحْرَمًا، مِثْلَ الْأَخُوَّةِ وَالْأَعْمَامِ، وَبِتَزْوِيجِهَا إِنْ أَرَادُوا ذَلِكَ، وَالْحَقَّاقُ: مُحَاقَّةُ الْأُمِّ لِلْعَصَبَةِ فِي الْمَرْأَةِ وَهُوَ الْجِدَالُ وَالْخُصُومَةُ، وَقَوْلُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا لِلْآخَرِ: أَنَا أَحَقُّ مِنْكَ بِهَذَا، يُقَالُ مِنْهُ: حَاقَقْتُهُ حِقَاقًا، مِثْلُ جَادَلْتُهُ جِدَالًا، وَقَدْ قِيلَ: إِنْ (نَصَّ الْحَقَّاقِ) بُلُوغُ الْعَقْلِ، وَهُوَ الْأَدْرَاكُ؛ لِأَنَّهُ (ع) إِنَّمَا أَرَادَ مُنْتَهَى الْأَمْرِ الَّذِي تَجِبُ فِيهِ الْحُقُوقُ وَالْأَحْكَامُ، وَمَنْ رَوَاهُ (نَصَّ الْحَقَّاقِ) فَإِنَّمَا أَرَادَ جَمْعَ حَقِيقَةٍ، هَذَا مَعْنَى مَا ذَكَرَهُ أَبُو عُبَيْدٍ الْقَاسِمُ بْنُ سَلَامٍ وَالَّذِي عِنْدِي أَنَّ الْمُرَادَ بِنَصِّ الْحَقَّاقِ هَاهُنَا بُلُوغُ الْمَرْأَةِ إِلَى الْحَدِّ الَّذِي يَجُوزُ فِيهِ تَزْوِيجُهَا وَتَصَرُّفُهَا فِي حُقُوقِهَا، تَشْبِيهَا بِالْحَقَّاقِ مِنَ الْأَبْلِ، وَهِيَ جَمْعُ حَقَّةٍ وَحَقٌّ وَهُوَ الَّذِي اسْتَكْمَلَ ثَلَاثَ سِنِينَ وَدَخَلَ فِي الرَّابِعَةِ، وَعِنْدَ ذَلِكَ يَبْلُغُ إِلَى الْحَدِّ الَّذِي يَتِمَّكَّنُ فِيهِ مِنْ رُكُوبِ ظَهْرِهِ، وَنَصَّهُ فِي السَّيْرِ، وَالْحَقَّاقِ أَيْضًا: جَمْعُ حَقَّةٍ، فَالرَّوَايَتَانِ جَمِيعًا تَرْجِعَانِ إِلَى مَعْنَى وَاحِدٍ، وَهَذَا أَشْبَهُ بِطَرِيقَةِ الْعَرَبِ مِنَ الْمَعْنَى الْمَذْكُورِ أَوْلًا (حكمت ۲۶۰-۴)؛

هرگاه زنان به (نص الحقائق) رسیدند، خویشان پدری به آنان سزاوارترند، مرحوم شریف، سید رضی می گوید: منظور از (نص)، آخرین مرحله هرچیز است، مانند (نص) در سیر و حرکت که به معنای آخرین مرحله توانایی مرکب است، از اینرو هنگامی که می گوئیم (نصت الرجل عن الأمر) منظور این است که آنقدر سؤال از کسی کردم که آنچه را می داند در این زمینه بیان کند، بنابراین (نص الحقائق) به معنای رسیدن به مرحله بلوغ است که همان پایان دوره کودکی است، این جمله از فصیح ترین کنایات و شگفت انگیزترین آنها در این مورد است، امام (ع) می فرماید: زنان هنگامی که به این مرحله برسند، (عصبه) (مردان خویشاوند پدری او) که محرم آنان هستند مانند برادران و عموها، به حمایت از آنها سزاوارتر از مادرند و همچنین در انتخاب همسر برای آنها، (والحقیق) به

معنای مخالفت و جدال مادر با (عصبه) در مورد این دختران است به گونه‌ای که هر کدام به دیگری می‌گویند: من از تو سزاوارترم، عرب می‌گوید: (حَاقَّقْتُهُ حِقَاقًا) یعنی با او به جدال برخاستم، بعضی گفته‌اند: منظور از (نَصُّ الْحِقَاقِ) رشد عقلی و بلوغ است، زیرا منظور امام (ع) این است که به مرحله‌ای برسد که حقوق و احکام درباره او انجام می‌شود، کسانی که (نَصُّ الْحَقَائِقِ) روایت کرده‌اند منظورشان از (حقائق) جمع حقیقت است، این همان تفسیری است که ابو عبید قاسم بن سلام برای این جمله بیان کرد، و به نظر من (سید رضی)، مقصود از (نص الحقائق) این است که زن به مرحله‌ای برسد که تزویج او مجاز باشد و اختیاردار حقوق خود شود و این در واقع تشبیه به (حِقَاق) در مورد شتران است، چراکه (حِقَاق) جمع (حِقَّة) و (حِقِّ) به معنای شتری است که سه سالش تمام است و داخل در سال چهارم شده و به حدی رسیده که می‌توان بر آن سوار شد و او را تا حد توان وادار به سیر و حرکت کرد، (حقائق) نیز جمع (حِقَّة) است، بنابراین هر دو روایت به معنای واحدی بازگشت می‌کند و این معنا به روش عرب از معنایی که در ابتدا ذکر شد بهتر است.»

### **مقدمه:**

ازدواج در اسلام از امور بسیار مهم مؤکد است، اما نکات مهمی که در اینجا مطرح است، زمان ازدواج یک جوان و آداب درست و اسلامی ازدواج است.

### **نکته‌ها:**

- \* ازدواج یک جوان، زمانیست که به بلوغ عقلی و جسمی رسیده باشد.
- \* بلوغ عقلی، یعنی تشخیص خیر و شر، و وجود نیرویی که امر به خیر کند و از شر بازدارد.
- \* بلوغ جسمی، روئیدن بالای لب و روی عانه، جنابت (البته با احتلام یعنی در خواب)، سن ۱۵ سال در پسرها و سن ۹ سال در دخترها می‌باشد.
- \* نکته خاص در بلوغ جسمی دخترها اینکه، دختر باید از نظر جسمی به حدی برسد که غالباً توان ارضاء جنسی شوهر و توان حمل جنین در رحم، در او باشد.
- \* هر کدام از علائم بلوغ ظهور کند، بلوغ جسمی حاصل می‌شود.
- \* اجازه پدر دختر به عنوان ولی او در عقد شرط است.
- \* اگر پدر دختر در قید حیات نباشد ولی او عصبه (مردان خویشاوند پدری او)، ابتدا پدر بزرگ اوست.
- \* آنچه مورد تأکید اسلام است، ازدواج آسان و ساده است.



\* مهریه بالا، پشتوانه و ضمانت برای عروس نمی‌باشد، بلکه ایمان و اخلاق اسلامی زوجین (زن و مرد) ضمانت خوش‌بختی آنهاست.

\* شروع زندگی به روش ساده، تمرینی برای زهد زوجین است.

\* رسم و رسوم غلط و اذیت کننده و خرج آور را باید در مراسم ازواج حذف کرد.

\* ساده‌زیستی و قناعت، محبت زوجین را بیشتر در قلبشان قرار می‌دهد.

### **پیشرفت تدریجی نور ایمان در قلب**

قال امیرالمؤمنین (ع): «إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لَمْظَةً فِي الْقَلْبِ، كُلَّمَا زَادَ الْإِيمَانَ زَادَتِ اللَّمْظَةُ، قَالَ سَيِّدُ رَضِيَ: وَاللَّمْظَةُ مِثْلُ النَّكْتَةِ أَوْ نَحْوِهَا مِنَ الْبَيَاضِ، وَمِنْهُ قِيلَ: فَرَسٌ أَلْمَظُ، إِذَا كَانَ بِجَحْفَلَتِهِ شَيْءٌ مِنَ الْبَيَاضِ (حکمت ۲۶۰-۵)؛

ایمان، نخست به صورت نقطه سفید و درخشانی در دل آشکار می‌شود و هر قدر ایمان افزایش می‌یابد آن نقطه سفید و نورانی گسترده‌تر می‌شود، مرحوم سید رضی می‌گوید: لَمْظَةٌ، چیزی مانند یک نقطه سفید است، و به همین جهت به اسبی که بر لبش نقطه سفیدی باشد، (فرس أَلْمَظُ) می‌گویند.

### **مقدمه:**

ایمان، لفظی است که در روایات اهل بیت (ع) و آیات قرآن بسیار یاد شد، و ارزش انسان‌ها و سعادت دنیا و آخرتش را در داشتن ایمان صحیح و کامل ذکر کردند.

### **نکته‌ها:**

\* ایمان، دو بعد علم و عمل صالح دارد.

\* ایمان، با باور داشتن وجود آفریدگار، شروع شده و به وسیله دلایل و اعمال شایسته استوارتر می‌گردد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* اعمال انسان، چه بد چه خوب، تأثیر تدریجی در نفس او دارد (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* ایمان درجات و مراتب دارد، اما هنگامی که به صورت ملکه درآید، کامل می‌شود و تغییر آن بسیار مشکل و یا محال است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

## حکم زکات دین

قال امیرالمؤمنین (ع): «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ لَهُ الدَّيْنُ الظَّنُّونُ، يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يُزَكِّيَهُ، لِمَا مَضَى، إِذَا قَبِضَهُ، قَالَ سَيِّدُ رَضَى: فَالظَّنُّونُ: الَّذِي لَا يَعْلَمُ صَاحِبَهُ أَيْقِبُضُهُ مِنَ الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ أَمْ لَا، فَكَأَنَّهُ الَّذِي يُظَنُّ بِهِ، فَمَرَّةً يَرْجُوهُ وَمَرَّةً لَا يَرْجُوهُ، وَهَذَا مِنْ أَفْصَحِ الْكَلَامِ، وَكَذَلِكَ كُلُّ أَمْرٍ تَطَلَّبُهُ وَلَا تَدْرِي عَلَى أَيِّ شَيْءٍ أَنْتَ مِنْهُ فَهُوَ ظَنُّونٌ، وَعَلَى ذَلِكَ قَوْلُ لِلْأَعْشَى: مَا يَجْعَلُ الْجَدَّ الظَّنُّونَ الَّذِي \*\*\*جَنَّبَ صَوْبَ اللَّجْبِ الْمَاطِرِ، مِثْلَ الْفُرَاتِيِّ إِذَا مَا طَمَأ \*\*\*يَقْذِفُ بِالْبُوصِيِّ وَالْمَاهِرِ، وَالْجُدُّ: الْبَيْتُ الْعَادِيَّةُ فِي الصَّحْرَاءِ، وَالظَّنُّونُ: الَّتِي لَا يَعْلَمُ هَلْ فِيهَا مَاءٌ أَمْ لَا (حکمت ۲۶۰-۶)؛

هرگاه انسان طلبی از کسی دارد که نمی‌داند می‌پردازد یا نه، لازم است پس از وصول آن زکاتش را نسبت به تمام سال‌های گذشته ادا کند، مرحوم سید رضی می‌گوید: ظنون، دینی است که صاحبش نمی‌داند آیا می‌تواند آن را از بدهکار بگیرد یا نه، گویی گمانی درباره آن دارد، از یکسو امیدوار است و از یکسو ناامید، و این از فصیح‌ترین تعبیرات است، همچنین هر کاری که انسان به دنبال آن می‌رود و نمی‌داند پایانش به کجا می‌رسد مصداق ظنون است، و بر همین اساس گفتار (شاعر معروف) اعشی است آنجا که می‌گوید: چاهی که معلوم نیست آب دارد یا نه \*\*\*و از محلی که بارانگیر است دور است، نمی‌توان آن را همچون فرات که پر از آب است \*\*\*و کشتی و شناگر ماهر را از پای درمی‌آورد قرار داد، در پایان می‌افزاید: جد، همان چاه قدیمی بیابانی است و ظنون به معنای چاهی است که معلوم نیست آب دارد یا نه.»

## مقدمه:

یکی از واجبات در اسلام خمس و زکات است، که آداب و دستورالعمل‌هایی دارد که هر مسلمانی باید آنرا بداند تا دچار حرام و بدهی نشود.

## نکته‌ها:

- \* لفظ «...أَنْ يُزَكِّيَهُ...» خمس و زکات واجب را شامل می‌شود.
- \* بر هر مسلمانی که دارای کسب و درآمد باشد، واجب است سال خمسی داشته باشد.
- \* اگر مبلغی امانت دست دیگران باشد و نتوان آنرا گرفت و به سال خمسی برخورد کنیم، واجب نیست خمس آنرا فعلاً پرداخت کنیم، بلکه هر موقع دریافت شد، خمسش را پرداخت می‌کنیم.
- \* برنامه خمس و زکات، برنامه اقتصادی در اسلام است که برای تزکیه اموال و رفع فقر مسلمین است.

- \* اصل مهم در رفع فقر، پرداخت صحیح خمس و زکات به مستحق آن است.
- \* در پرداخت و خرج کردن خمس و زکات، نباید ترک اولی کرد.

### به هنگام مقابله با دشمن از زنان دوری کنید

قال امیرالمؤمنین(ع): «أَنَّهُ شَيَّعَ جَيْشاً بَغْزِيَّةً، فَقَالَ: اِعْذِبُوا عَنِ النِّسَاءِ مَا اسْتَطَعْتُمْ، قَالَ سَيِّد رَضِيَ وَمَعْنَاهُ: اصْدِفُوا عَنِ ذِكْرِ النِّسَاءِ وَشَغَلِ الْقَلْبَ بِهِنَّ، وَأَمْتَنِعُوا عَنِ الْمُقَارَبَةِ لَهُنَّ، لِأَنَّ ذَلِكَ يَفْتُ فِي عَضْدِ الْحَمِيَّةِ، وَيَقْدَحُ فِي مَعَاقِدِ الْعَزِيمَةِ وَ يَكْسِرُ عَنِ الْعَدُوِّ وَيَلْفِتُ عَنِ الْأَبْعَادِ فِي الْعَزْوِ، وَكُلُّ مَنْ أَمْتَنَعَ مِنْ شَيْءٍ فَقَدْ أَعَذَبَ عَنْهُ وَالْعَاذِبُ وَالْعَذُوبُ: الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ (حکمت ۲۶۰-۷) ؛

امام(ع) هنگامی که سپاهی را برای فرستادن به میدان نبرد بدرقه می کرد، فرمود: تا آنجا که می توانید از زنان دوری جویند، مرحوم سید رضی می گوید: معنای این سخن آن است که از یاد زنان و دل مشغولی به آنها به هنگام جنگ صرف نظر کنید و از نزدیکی با آنان امتناع ورزید، چراکه این کار، بازوان حمیت را سست و در تصمیم خلل ایجاد می کند و از حرکت سریع و کوشش در جنگ باز می دارد و (به طور کلی) هرکس از چیزی امتناع ورزد درباره او گفته می شود (اعذَبَ عَنْهُ)، و (العاذِب) و (العدوب) به کسی گفته می شود که از خوردن و آشامیدن امتناع ورزد.»

### مقدمه:

انسان در صورتی در کار خود - مخصوصاً در میدان نبرد - پیشرفت می کند که تمام فکرش متوجه آن کار باشد، اما اگر فکر خود را به دو یا چند کار تقسیم کند، به همان نسبت توفیقش کمتر می شود به خصوص اگر فکر خود را به زنان مشغول دارد که او را در حال و هوای دیگری قرار می دهد و از تصمیم و اراده و قدرت و قوت او می کاهد.

### نکته ها:

- \* مراد از «...اعذِبُوا عَنِ النِّسَاءِ...» هرگونه توجه در قوای حسی و قوه خیال، به زنان، به نیت لذت شهوانی را شامل می شود.
- \* شهوت، با اراده قوی در کار سخت، سازگاری ندارد (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).
- \* در تزکیه نفس و سیر و سلوک اسلامی، که خود میدان نبرد درونی است، نیز شهوت مانع کار است.

\* تعبیر به «مَا اسْتَطَعْتُمْ» دلیل بر این است که در موارد ضرورت و نیاز شدید، این نهی ارشادی، از راه حلال استثنا شده است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

## راه ظفر

قال امیرالمؤمنین (ع): «كَالْيَاسِرِ الْفَالِجِ يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزَةٍ مِنْ قِدَاحِهِ، قَالَ سَيِّدُ رَضِيَ: الْيَاسِرُونَ هُمُ الَّذِينَ يَتَضَارَبُونَ بِالْقِدَاحِ عَلَى الْجَزُورِ، وَالْفَالِجُ الْقَاهِرُ وَالْغَالِبُ، يُقَالُ: فَلَجَ عَلَيْهِمْ وَفَلَجَهُمْ، وَ قَالَ الرَّاجِزُ: لَمَّا رَأَيْتُ فَالِجاً قَدْ فَلَجَا (حکمت ۲۶۰-۸) ؛

(مؤمنی که با انجام کار زشت خود را شرمنده نساخته ) همچون قمار باز برنده ایست که در انتظار پیروزی در همان بازی نخست است، سید رضی می گوید: (یاسرون ) آنانند که با تیر بر سر شتران نحر شده قمار می کنند، (فالج ) چیره و پیروز را گویند، گفته می شود: (قَدْ فَلَجَ عَلَيْهِمْ وَ فَلَجَهُمْ ) یعنی بر آنان چیره گشت، راجز (از شاعران عصر اموی که در سال ۱۳۰ هجری درگذشت ) می گوید: هنگامی که دیدم شخص پیروز را که غلبه نمود .»

## مقدمه:

نشاط و شادی به اقتضای ذات ، برای انسان لازم است، اما طریقه کسب این نشاط بسیار در سعادت و شقاوت آدمی مؤثر و شرط است، یکی از راه های اصلی کسب شادی، ترک حرام و طهارت نفس ناطقه انسانی است.

## نکته ها:

- \* گناه، راه سعادت را سخت تر و طولانی تر و در موارد بسیار کمی، غیر ممکن می کند.
- \* عدم ارتکاب گناه، فرصت و توفیق بیشتری را برای کسب فضائل انسانی در وقت خودش به ما می دهد.
- \* ترک حرام و طهارت، دال بر موفقیت نهایی نیست، بلکه انسان را امیدوار می کند، تا شاید خداوند توفیقات لازم را عنایت کند.
- \* ظفر، ترک حرام و غلبه بر نفس اماره است و شکست انجام گناهان است.
- \* گناهان، به کبیره و صغیره تقسیم می شوند.
- \* لازمه ترک حرام، شناخت آنها و راه صحیح ترک آنها و جایگزین کردن صفات حمیده ضد آنهاست.

## پناهگاه ما در میدان جنگ

قال امير المؤمنين (ع): «كُنَّا إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَى الْعَدُوِّ مِنْهُ، قَالَ سَيِّدُ رَضَى: وَمَعْنَى ذَلِكَ: أَنَّهُ إِذَا عَظُمَ الْخَوْفُ مِنَ الْعَدُوِّ، وَاشْتَدَّ عِضَاضُ الْحَرْبِ فَزِعَ الْمُسْلِمُونَ إِلَى قِتَالِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِنَفْسِهِ، فَيُنزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ النَّصْرَ بِهِ، وَيَأْمَنُونَ مِمَّا كَانُوا يَخَافُونَهُ بِمَكَانِهِ، وَقَوْلُهُ: (إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسُ) كِنَايَةٌ عَنِ اشْتِدَادِ الْأَمْرِ، وَقَدْ قِيلَ فِي ذَلِكَ أَقْوَالٌ أَحْسَنُهَا: أَنَّهُ شَبَّهَ حَمَى الْحَرْبِ بِالنَّارِ الَّتِي تَجْمَعُ الْحَرَارَةُ وَالْحُمْرَةُ بِفِعْلِهَا وَلَوْنُهَا وَمِمَّا يَقْوَى ذَلِكَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَقَدْ رَأَى مُجْتَلِدَ النَّاسِ يَوْمَ حُنَيْنٍ وَهِيَ حَرْبٌ هَوَازِنَ: (الآن حمى الوطيس) فالوطيس: مُسْتَوْقَدُ النَّارِ، فَشَبَّهَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا اسْتَحَرَّ مِنْ جِلَادِ الْقَوْمِ بِاحْتِدَامِ النَّارِ وَشِدَّةِ التَّهَابِهَا (حكمت ۲۶۰-۹)؛

وقتی تنور جنگ سرخ می‌شد، در پناه رسول الله (ص) خود را حفظ می‌کردیم، پیامبر از همه ما به دشمن نزدیک‌تر بود، سید رضی می‌گوید: معنای این سخن این است که هرگاه ترس از دشمن زیاد می‌شد، و ضربه‌های دشمن شدت می‌یافت، مسلمانان به جایی که پیامبر (ص) می‌جنگید پناه می‌بردند، و خدای متعال به برکت وجود پیامبر پیروزی بر آنان را فرومی‌فرستاد، و آنان به واسطه مکانت وی از آنچه بیم داشتند ایمن می‌گشتند، جمله (إذا احمر البأس) در کلام امام (ع) کنایه از سختی جنگ است، در تفسیر این سخن امام (ع) چند قول وجود دارد که بهترینشان این است که: امام (ع) حرارت جنگ را به گرمای آتش تشبیه کرده که سوزندگی و سرخی را با عمل و رنگش توأمان دارد، مؤید این تفسیر سخن پیامبر (ص) است که در روز حنین که مسلمانان با مردان قبیله هوازن می‌جنگیدند، وقتی درگیری شدید دو سپاه را دید فرمودند: (الآن حمى الوطيس): اینک تنور جنگ گرم شد، (وطيس) محل برافروختن آتش است، پیامبر (ص) در این سخن، حرارت میدان نبرد را به شعله‌ور شدن آتش تشبیه کرده است.»

### مقدمه:

اسلام دین جنگ‌طلبی نیست، بلکه متن شریعت مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم است، لذا در این راستا، گاهی رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) گاهی مجبور به انجام جنگ با مشرکین، کفار و یهودیان می‌شدند و خطرات زیادی آنها را تهدید می‌کرد.

### نکته‌ها:

\* در مشکلات زندگی، حجت خدا پناه مردم است.

\* حجت خدا، سختی‌های دنیا و راه‌های غلبه بر آن مشکلات را کاملاً می‌داند.

\* اعتقاد به حجة‌الله (ولی‌الله) و تسلیم بودن در مقابل او، امر ضروری دین اسلام است.

\* برای رسیدن به سعادت نهایی، در زمان غیبت امام معصوم(ع)، داشتن استاد راه لازم و ضروری است.

\* استاد راه، کسی است که عبدالله و موحد محض و مورد تأیید خدا و قرآن و ائمه معصومین(علیهم‌السلام) باشد.

\* استاد امیرالمؤمنین(ع)، جناب رسول‌الله(ص) است.

### **کلیه شدید امام علیه السلام از سستی بعضی از یارانش**

قال امیرالمؤمنین(ع): «لَمَّا بَلَغَهُ إِغَارَةُ أَصْحَابِ مُعَاوِيَةَ عَلَى الْأَنْبَارِ فَخَرَجَ بِنَفْسِهِ مَا شِئاً حَتَّى أَتَى النَّخِيلَةَ وَ أَدْرَكَهُ النَّاسُ وَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَحْنُ نَكْفِيكَهُمْ، فَقَالَ: مَا تَكْفُونَنِي أَنْفُسَكُمْ، فَكَيْفَ تَكْفُونَنِي غَيْرَكُمْ، إِنْ كَانَتْ الرَّعَايَا قَبْلِي لَتَشْكُو حَيْفَ رِعَاتِهَا وَإِنِّي الْيَوْمَ لَأَشْكُو حَيْفَ رَعِيَّتِي، كَأَنِّي الْمَقُودُ وَهُمْ الْقَادَةُ أَوْ الْمَوْزُوعُ وَهُمْ الْوَزَعَةُ، فَلَمَّا قَالَ(ع): هَذَا الْقَوْلُ، فِي كَلَامٍ طَوِيلٍ قَدْ ذَكَرْنَا مُخْتَارَهُ فِي جُمْلَةِ الْخُطَبِ، تَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا: إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَمُرْ بِأَمْرِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نُنْقِدْ لَهُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَأَيْنَ تَقَعَانِ مِمَّا أُرِيدُ؟ (حکمت ۲۶۱) ؛

هنگامی که امام(ع) خبر حمله یاران معاویه به انبار و غارت آنجا را شنید شخصاً پیاده به سوی «نخيله» که لشکرگاه معروف کوفه بود به راه افتاد، مردم نیز به دنبال آن حضرت به راه افتادند، (جمعی از سرشناسان اصحاب) عرض کردند: ای امیرمؤمنان! شما بازگردید ما این مشکل را حل می‌کنیم، امام(ع) فرمود: شما از عهده حل مشکلات خودتان با من بر نمی‌آیید چگونه می‌خواهید مشکل دیگران را از من دفع کنید؟، رعایای پیشین از ستم فرمانروایان خود شکایت می‌کردند، ولی من امروز از ستم رعیت شکایت دارم، گویی من پیرو هستم و آنها پیشوا، یا من فرمانبر و محکوم و آنها فرمانده و حاکم، هنگامی که امام(ع) این سخن را در ضمن گفتاری طولانی - که قسمت برگزیده ای از آن ضمن خطبه‌ها گذشت - بیان کرد، دو نفر از یارانش جلو آمدند، یکی از آنها عرض کرد: من

جز اختیار خودم و برادرم را ندارم، امر فرما تا اطاعت کنیم، امام(ع) فرمود: شما دو نفر در برابر آنچه من می‌خواهم، چه کاری می‌توانید انجام دهید؟».

### مقدمه:

یکی از شیطنت‌های معاویه این بود که برای تضعیف روحیه مردم عراق و به خصوص سربازان امیرمؤمنان(ع) گه‌گاهی عده‌ای را می‌فرستاد تا ناهنجاری انجام دهند، عده‌ای را به قتل برسانند، این همان روشی است که در طول تاریخ جباران خودکامه از آن بهره‌گیری می‌کردند.

### نکته‌ها:

- \* از وظایف مسئولین در حکومت، حضور مستقیم در مشکلات مردم است.
- \* وظایف مردم در حکومت اسلامی، همکاری با حاکم اسلامی است (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).
- \* قدرت اصلی یک حکومت، مردم هستند.
- \* از دلایل تشکیل حکومت، ایجاد نظم و اتحاد در پیش بردن امور اجتماعی جامعه است.
- \* مراد از «إِنْ كَانَتْ الرَّعَايَا قَبْلِي لَتَشْكُو حَيْفَ رِعَاتِيهَا» ظلم حکام بر مردم است.
- \* مراد از «وَأِنِّي الْيَوْمَ لَأَشْكُو حَيْفَ رِعِيَّتِي» عدم همکاری مردم با امام(ع) و قدرشناسی آنها است.
- \* انسان باید ادعایی کند که از عهده آن برمی‌آید.

### نخست حق را بشناس سپس پیروانش را

قال امیرالمؤمنین(ع): «وَقِيلَ إِنَّ الْحَارِثَ بْنَ حُوَظٍ أَتَاهُ، فَقَالَ: أَتَرَانِي أَظُنُّ أَصْحَابَ الْجَمَلِ كَانُوا عَلَيَّ ضَلَالَةً؟، فَقَالَ(ع): يَا حَارِثُ، إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتِكَ وَلَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ فَحِرْتُ! إِنَّكَ لَمْ تَعْرِفِ الْحَقَّ فَتَعْرِفَ مَنْ أَتَاهُ، وَلَمْ تَعْرِفِ الْبَاطِلَ فَتَعْرِفَ مَنْ أَتَاهُ، فَإِنِّي أُعْتَزِلُ مَعَ سَعِيدِ بْنِ مَالِكٍ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، فَقَالَ(ع): إِنَّ سَعِيداً وَعَبْدَ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ لَمْ يَنْصُرَا الْحَقَّ وَلَمْ يَخْذُلَا الْبَاطِلَ (حکمت ۲۶۲)»؛

گفته شد، حارث بن حوط، خدمت حضرت آمد و عرض کرد: شما فکر می‌کنید من هم لشکر جمل را گمراه می‌دانم؟، امام(ع) فرمود: ای حارث! تو به زیر دست خود نگاه کردی نه به بالای سرت، به همین دلیل حیران و سرگردان شدی، تو حق را نشناختی تا کسانی را که به سراغ حق آمده‌اند بشناسی، باطل را نیز نشناخته‌ای تا کسانی را که به سراغ باطل رفته‌اند، شناسایی کنی، حارث گفت:

من همراه سعید بن مالک و عبد الله بن عمر، کناره گیری می کنم، امام (ع) فرمود: سعید و عبدالله بن عمر حق را یاری نکردند و باطل را نیز خوار نساختند.»

### مقدمه:

در ماجرای جنگ جمل، مردم به سه گروه تقسیم شدند: گروه اول، مؤمنان آگاه بودند که دست به دامان امیرمؤمنان علی (ع) زدند و به فرمان آن حضرت، برای خاموش کردن آتش فتنه به بصره آمدند، گروه دوم، فریب خوردگانی بودند که به تحریک «طلحه»، «زبیر»، «عایشه» و «معاویه» بیعت خود را شکستند و در مقابل آن حضرت ایستادند، گروه کوچکی نیز بی طرفی را برگزیدند، از جمله آنها «سعد بن ابی وقاص» و «عبدالله بن عمر» بودند.

### نکته‌ها:

\* مراد از «...إِنَّكَ نَظَرْتَ تَحْتِكَ...» توجه به باطل و اهل باطل است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* مراد از «...وَلَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ...» بی توجهی به حق و اهل حق، یعنی امیرالمؤمنین (ع) است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* توجه به باطل و بی توجهی به حق (که همان غفلت است) باعث حیرت و گمراهی و مخالفت با امام معصوم (ع) می شود.

\* اصل این است که حق و باطل را بشناسیم، تا در تصمیم گیری های اجتماعی دچار انحراف نشویم (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* مراد از جمله «لَمْ يَخْذُلَا الْبَاطِلَ» این است که آنها با سکوتشان در برابر اصحاب جمل و اهل شام، باطل را یاری کردند (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* خذلان به معنای ترک یاری است، بنابراین «لَمْ يَخْذُلَا» به معنای یاری کردن است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* بی طرفی نابجا، نشان عدم مسئولیت در برابر حق و باطل است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).



## هشدار هم‌نشینی با سلطان

قال امیرالمؤمنین (ع): «صَاحِبُ السُّلْطَانِ كَرَآكِبِ الْأَسَدِ، يُغْبَطُ بِمَوْقِعِهِ، وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَوْضِعِهِ (حکمت ۲۶۳) ؛

هم‌نشین سلطان، مانند کسی است که بر شیر سوار است، دیگران به مقام او غبطه می‌خورند، ولی او خود بهتر می‌داند در چه وضع خطرناکی قرار گرفته است.»

### مقدمه:

تاریخ نشان می‌دهد که مقربان سلاطین همیشه گرفتار خطرات زیادی بوده‌اند، و بسیار شده است که ناگهان سلطان به آنها بدبین شده، نه تنها دستور عزل آنها را داده، بلکه آنها را به شدت مجازات نموده و در بسیاری از موارد نابود کرده است.

### نکته‌ها:

\* مراد از «...السُّلْطَانِ...» حاکمان ظالم است نه حاکمان عادل و اسلامی (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* مراد از «صَاحِبُ السُّلْطَانِ...» در کنار سلاطین بودن و موافقت با ظلم و بدی‌های آنها است.

\* سلاطین، دچار کبر و درندگی می‌شوند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* تعلق به قدرت و رفاه دنیایی، انسان را نسبت به اطرافیان، بدبین و ظالم می‌کند (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* غبطه به دنیای دیگران، مذموم و ناپسند است.

\* نباید از تعریف دیگران نسبت به جایگاه خویش فریب بخوریم (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

## خوشرفتاری با بازماندگان مسلمین

قال امیرالمؤمنین (ع): «أَحْسِنُوا فِي عَقَبِ غَيْرِكُمْ تُحْفَظُوا فِي عَقَبِكُمْ (حکمت ۲۶۴) ؛  
با بازماندگان دیگران خوشرفتاری کنید تا با بازماندگان شما همینگونه رفتار کنند.»

### مقدمه:

بیشتر کارهای این جهان، در عمل به صورت قرض و مکافات است و ما آشکارا دیده‌ایم هر کس به مردم ستم می‌کند، سرانجام نسبت به بازماندگان و فرزندانش ستم می‌شود، و هر کس مردم را

می‌کشد، فرزندان و بازماندگانش کشته می‌شوند، و هر کس خانه‌ها را ویران می‌کند، خانه‌اش ویران می‌شود و بالعکس در کارهای خوب همینطور است.

### **نکته‌ها:**

\* «عَقِبِ»، کسانی از فرزند و فرزندان است که انسان پس از مرگ خود به جا می‌گذارد.  
\* قرآن مجید در سوره نساء آیه ۹ می‌فرماید: «کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند، از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند».  
\* پاداش کیفر اعمال نیک و بد پدران به فرزندان منتقل می‌شود (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* عبارت «أَحْسِنُوا فِي عَقِبِ غَيْرِكُمْ تُحْفَظُوا فِي عَقِبِكُمْ» با «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچکس به جرم گناه دیگری مجازات نمی‌شود» منافات ندارد.

\* پاداش و مجازات اعمال هرکسی، نوعی اثر تکوینی دارد، یعنی کسی که پایه کار خوب یا بدی را در جامعه می‌گذارد، کم‌کم به صورت سنتی درمی‌آید، در نتیجه آن نیک و بد به سراغ فرزندان او نیز خواهد آمد (شرح نهج‌البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* وجدان انسانی مردم ایجاب می‌کند به فرزندان نیکوکار، نیکوکاری کنند، در واقع این یک امر فطری است (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی).

### **گفتار دانشمندان، درد یا دارو؟**

قال امیرالمؤمنین (ع): «إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً، وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً» (حکمت ۲۶۵)؛

گفتار دانشمندان اگر صحیح و درست باشد دوا (داروی شفابخش) و اگر نادرست و خطا باشد درد و بیماری است».

### **مقدمه:**

مردم چشم به سخنان دانشمندان می‌دوزند و گوش جان به گفتار آنها می‌سپارند به خصوص حکیم و دانشمندی که آزمایش خود را در میان مردم پس داده و سابقه تقوا و وارستگی او در میان آنان مشهور باشد، چنین کسی هرچه بگوید بسیاری از مردم آن را به کار می‌برند.

## نکته‌ها:

- \* مراد از «...كَانَ دَوَاءً...» هدایت مردم به صراط مستقیم است.
- \* مراد از «... كَانَ دَاءً...» گمراهی و انحرافات اعتقادی و گناهان است.
- \* احتمال خطا در کلام علمایی که انسان کامل نشدند وجود دارد.
- \* حکما و علمای ربانی، در واقع طبیب روح انسانها هستند.
- \* ساده‌لوحی در پذیرش (پذیرش کورکورانه و بی مبنا و برهانی) کلام، از هر سخنرانی، ناپسند است.
- \* میزان در تشخیص صواب یا خطا بودن کلام دیگران، تطبیق دادن با قرآن و کلام ائمه معصومین(ع) است.

## برای آموزش صحیح شتاب مکن!

قال امیرالمؤمنین(ع): «وَسَأَلَهُ رَجُلٌ أَنْ يُعَرِّفَهُ الْإِيمَانَ، فَقَالَ(ع): إِذَا كَانَ الْغَدُ فَأَتِنِي حَتَّى أَخْبِرَكَ عَلَى أَسْمَاعِ النَّاسِ، فَإِنْ نَسِيتَ مَقَالَتِي حَفِظْهَا عَلَيْكَ غَيْرَكَ فَإِنَّ الْكَلَامَ كَالشَّارِدَةِ يَنْقُفُهَا هَذَا وَيُخْطِئُهَا هَذَا، قَالَ الرُّضِيُّ: وَقَدْ ذَكَرْنَا مَا أَجَابَهُ بِهِ فِيمَا تَقَدَّمَ مِنْ هَذَا الْبَابِ وَهُوَ قَوْلُهُ: الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ (حکمت ۲۶۶)؛

مردی از محضرش خواست تا ایمان را برای او شرح دهد، امام(ع) به او فرمود: فردا نزد من بیا تا در حضور جمع، تو را از آن آگاه سازم، که اگر گفته‌ام را فراموش کنی دیگری آن را برای تو حفظ کند، زیرا سخن همچون شتر فراری است که بعضی ممکن است آن را پیدا کنند و بعضی آن را نیابند، سید رضی، پس از ذکر این کلام حکیمانه می‌گوید: آنچه را امام(ع)، در پاسخ این سؤال کننده بیان فرمود، همان است که ما در همین باب (کلمات قصار) به عنوان «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ» آوردیم.

## مقدمه:

عمار یاسر، که هم در صحنه جهاد می‌درخشید و هم در معارف اسلامی، هنگامی که خود را در کنار آن چشمه جوشان معرفت دید، درخواست کرد که مهمترین مسئله را که همان ایمان است با تمام ویژگی‌هایش برای او شرح دهد.

## نکته‌ها:

\* شارِدَة «از ماده «شُرُود» (بر وزن سرود) به معنای حیوان یا انسان فراری است و چون در اینجا به صورت مؤنث آمده و غالباً ضرب المثل‌های عرب به شتر است، می تواند اشاره به ناقه گریزپا باشد (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

\* کلام، هنگامی که در جمع ایراد شود، هم الفاظ آن به طور کامل حفظ می‌شود و هم مفاهیم آن برای برخی و تبعاً برای دیگران، روشن می‌گردد (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه‌الله خوئی).

\* حفظ احادیث و نقل کامل و کتابت آنها برای نسل‌های آینده، مهم و ضروری است (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* احادیث اسلامی، نقش بسیار مهمی در فهم معارف اسلام دارد (شرح نهج البلاغه آیه‌الله مکارم شیرازی).

\* علت عبارت «...فَإِنَّ الْكَلَامَ كَالشَّارِدَةِ...» ضعف قوه خیال و حافظه مستمعین است.

\* مراد از «...يَنْقُفُهَا هَذَا...» افراد زیرک و باهوش و با طهارت و پاکی است، که فهم بالایی دارند.

## حرص چرا؟

قال امیرالمؤمنین(ع): «يَابْنَ آدَمَ، لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ أَتَاكَ، فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ (حکمت ۲۶۷) ؛

ای فرزند آدم! غم و اندوه روزی که نیامده را بر آن روز که در آن هستی تحمیل مکن، چراکه اگر آن روز، از عمرت باشد خداوند روزی تو را در آن روز می‌رساند.»

## مقدمه:

غم و اندوه، در زندگی انسان چیز ناگزیری است، که گاهی درست و بجاست، و گاهی نادرست است، لذا غم و اندوه نادرست، سودی ندارد و ای بسا زندگی را بر ما تباه می‌کند و غم و اندوه را بر دل ما مضاعف می‌سازد و ما را از تفکر و تلاش برای واجبات و انجام مسئولیتها بازمی‌دارد.

## نکته‌ها:

\* اقتضای ذات خالق، تأمین رزق مخلوقینش است.

\* مراد عبارت «...لَا تَحْمِلُ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ...» ترک تلاش و کوشش و نفی آینده نگری و تدبیر در امور زندگی به خصوص در سطح جامعه اسلامی نیست (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* جلوگیری از حرص و آز شدید، که بسیاری از مردم به بهانه تأمین آینده دائماً برای ثروت اندوزی و حرام تلاش می کنند، از اهداف حجه های خداست (منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه آیه الله خوئی).

\* اصل در حالات انسان، حضور در زمان حالش است، یعنی نباید برنامه های آینده سبب فراموشی برنامه روزانه شود (شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی).

### در دوستی و دشمنی از حد تجاوز مکن

قال امیرالمؤمنین (ع): «أَحِبُّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا، وَأَبْغِضُ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا (حکمت ۲۶۸) ؛

دوست خود را در حد اعتدال دوست بدار، چراکه ممکن است روزی دشمنت شود و با دشمنت نیز در حد اعتدال دشمنی کن، زیرا ممکن است روزی دوست تو شود.»

### مقدمه:

همیشه دوستی ها و دشمنی ها استمرار نمی یابد، اگر انسان در زمان دوستی، راه افراط در پیش گیرد و تمام اسرار خویش را به دوستش بگوید و این دوستی به دشمنی تبدیل گردد، شاید آن شخص تمام اسرار انسان را فاش کند، و گاهی دشمنی ها، به دوستی تبدیل می شود، نباید با آبروریزی، راه جبران و توبه را ببندیم.

### نکته ها:

\* مسئله دوستی و دشمنی بر اساس حب و بغض در اعتقاد شیعه است، که باید بر اساس معیارهای الهی باشد که به صورت اصل «توئی و تبری» معروف شده است (شرح نهج البلاغه آیه الله مکارم شیرازی).

\* قرآن در آیه ۲۲ سوره مجادله می فرماید: «هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند...»

- \* دوستی و نزدیک بودن به یکدیگر مراتب دارد که باید حد این مراتب را شناخت.
- \* هرچه طهارت و صفت رازداری بیشتر باشد، محرمیت بین دو دوست بیشتر است.
- \* راه دوام دوستی، انتخاب درست دوست خوب و ادای حق دوست است.
- \* در شریعت اسلام، ظلم و ناجوان‌مردی به دشمنان نیز ناپسند است.
- \* اکثر دشمنی‌ها، قابلیت تبدیل شدن به دوستی را دارد.

## دنیاپرستان و آخرت‌دوستان

قال امیر المؤمنین (ع): «النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ: عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ، يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُقُهُ الْفَقْرَ وَيَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ فَيُفْنِي عُمُرَهُ فِي مَنَفَعَةٍ غَيْرِهِ، وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بَغَيْرِ عَمَلٍ، فَأَحْرَزَ الْحَظَّ مَعًا، وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا، فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، لَا يَسْأَلُ اللَّهُ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ (حکمت ۲۶۹) ؛

مردم در دنیا دو گروهند: گروهی تنها برای دنیا تلاش می‌کنند و دنیایشان آنان را از آخرتشان باز داشته است، نسبت به بازماندگان خود از فقر وحشت دارند، ولی از فقر خویش (برای جهان دیگر) خود را در امان می‌دانند، از اینرو عمر خویش را در منافع دیگران فانی می‌سازند، گروه دیگر، برای آنچه بعد از دنیاست تلاش و کوشش می‌کنند، سهم آنها بدون نیاز به کار و کوشش فراوان از دنیا به آنها می‌رسد، چنین کسانی هر دو سود را برده‌اند و هر دو سرا را با هم مالک شده‌اند، آنها در درگاه خدا آبرومندند و هرچه بخواهند خداوند از آنها دریغ نمی‌دارد.»

### مقدمه:

حریص در دنیا مانند کرم ابریشم است که هر قدر بر پيله اطراف خود می‌تند، او را از خارج دورتر می‌سازد تا زمانی که با غم و اندوه، جان می‌دهد، لذا در دنیا نباید همچون گوسفندی باشیم که در کشتزار سبزی واقع می‌شود و آنقدر می‌خورد و چاق می‌شود که مرگش به هنگام چاقی اوست.

### نکته‌ها:

- \* تلاش و زندگی در دنیا امری ناگزیر است اما اگر برای خدا و طبق دستورات او باشد عین آخرت است (شرح نهج‌البلاغه ابن میثم بحرانی).
- \* انسان در آخرت، برای دنیا و غیرالله، عملی انجام نمی‌دهند.

\* لفظ فقر در عبارت «...يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُهُ الْفَقْرَ وَيَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ...» هم فقر دنیوی را شامل می‌شود، و هم فقر معنوی.

\* اهل آخرت، خدا را روزی رسان خود و خانواده‌اش میدانند.

\* هم تنبلی و هم حرص و هم بخل همگی مذموم هستند.

\* مالک آخرت، به إذن الله مالک دنیاست، یعنی هر که از دنیا قطع تعلق کند، خداوند دنیایش را تأمین می‌کند.

### سرنوشت زیور آلات کعبه

قال امیرالمؤمنین(ع): «وَرَوَى أَنَّهُ ذَكَرَ عِنْدَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فِي أَيَّامِهِ حَلِيَّ الْكَعْبَةِ وَكَثْرَتُهُ فَقَالَ قَوْمٌ لَوْ أَخَذْتَهُ فَجَهَّزْتَهُ بِهٖ جِيُوشَ الْمُسْلِمِينَ كَانَ أَعْظَمَ لِلْأَجْرِ وَمَا تَصْنَعُ الْكَعْبَةُ بِالْحَلِيِّ فَهَمَّ عُمَرُ بِذَلِكَ وَسَأَلَ عَنْهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ(ع)، فَقَالَ(ع): إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى النَّبِيِّ(ص) وَالْأَمْوَالَ أَرْبَعَةً: أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ فَقَسَمَهَا بَيْنَ الْوَرَثَةِ فِي الْفَرَائِضِ، وَالْفَيْءِ فَقَسَمَهُ عَلَى مُسْتَحِقِّيهِ، وَالْخُمْسُ فَوَضَعَهُ اللَّهُ حَيْثُ وَضَعَهُ، وَالصَّدَقَاتُ فَجَعَلَهَا اللَّهُ حَيْثُ جَعَلَهَا، وَكَانَ حَلِيَّ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمِيذٍ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَى حَالِهِ، وَلَمْ يَتْرُكْهُ نَسِيَانًا، وَلَمْ يَخْفَ عَلَيْهِ مَكَانًا، فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ لَوْلَاكَ لَأَفْتَضَحْنَا وَتَرَكَ الْحَلِيَّ بِحَالِهِ (حکمت ۲۷۰) ؛

روایت شده است که در ایام خلافت عمر بن الخطاب، نزد او از زیورهای کعبه و کثرت آن سخن به میان آمد، گروهی گفتند: اگر آنها را می‌گرفتی و با آن، لشکرهای مسلمین را مجهز می‌ساختی، اجر آن بیشتر بود، کعبه چه احتیاجی به این زیورها دارد؟ به دنبال آن، عمر تصمیم به این کار گرفت و از امیرمؤمنان(ع) در این باره سؤال کرد، امام(ع) در پاسخ او فرمود: این قرآن بر پیامبر(ص) نازل شد، در حالی که چهار نوع مال وجود داشت: اموال مسلمانان، که آنها را به عنوان ارث مطابق سهام خاص در میان ورثه تقسیم فرمود، و فیه (غنایمی که از طریق جنگ یا غیر جنگ به دست آمده بود)، که آن را بر مستحقانش تقسیم کرد، و خمس، که آن را در موارد خود قرار داد، و صدقات (زکوات)، که آن را در آنجا که لازم بود قرار داد، و در آن زمان زیورهای کعبه وجود داشت و خدا آن را بر همان حال باقی گذاشت، و این امر نه از روی فراموشی بود و نه به دلیل مخفی بودن مکان آن، بنابراین تو نیز آن را بر همان حال که خدا و پیامبرش آن را قرار داده‌اند، باقی بگذار، هنگامی که عمر گفتار

امام(ع) را شنید عرض کرد: اگر تو نبودی رسوا می شدیم، و زیورهای کعبه را به حال خود وا گذاشت  
«.

### مقدمه:

قرائن نشان می دهد که زیورآلات کعبه قبل از اسلام نیز وجود داشته است و از تواریخ استفاده می شود که هدیه دادن زیورآلات به کعبه، قبل از اسلام شروع شده است، از روایاتی که در منابع اهل بیت(ع) آمده، استفاده می شود که از هدایای کعبه می توان برای حجاج نیازمند استفاده کرد.

### نکته ها:

- \* امکان دارد که آدمی نسبت به کسی شناخت به خوب بودنش داشته باشد اما باز هم دشمنی کند.
- \* حاکم جاهل، باعث نابودی و هلاکت امت است.
- \* اموال در اسلام، برخی واجب الپرداخت هستند، و برخی خرج های مستحبی دارند.
- \* لفظ «...وَالْخُمْسُ...» هم خمس و هم زکات، هر دو را شامل می شود.
- \* اموال واجب الپرداخت مانند: خمس، زکات، نفقه، و حق الناس و ارث ورثه است.
- \* خلیفه دوم، در طول خلافت بارها عبارت «لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ» را تکرار کرد.
- \* عبارات دیگری که خلیفه دوم درباره امیرالمؤمنین(ع) به کار می برد عبارتند از: «خدایا! هرگاه مشکلی پیش آید که علی برای حل آن حضور نداشته باشد مرا باقی مگذار... خدا مرا در سرزمینی زنده ندارد که تو «امیرالمؤمنین(ع)» در آن نباشی... مادران عاجزند از اینکه مثل علی بن ابی طالب را بزنند و...».